

ماجرای اقتدای یک مرجع تقلید به یک تاجر

از استادان بزرگی که در فقه و کلام و سایر علوم دینی، شهره خاص و عام بود و به احکام دین آشنایی و معرفت داشت مرحوم مجاهد شیخ جعفر کاشف الغطاء است.



مرکز خبر حوزه نوشت: از استادان بزرگی که در فقه و کلام و سایر علوم دینی، شهره خاص و عام بود و به احکام دین آشنایی و معرفت داشت مرحوم مجاهد شیخ جعفر کاشف الغطاء است.

این عالم بزرگوار که همواره در ترویج مذهب حقه شیعه همت گماشت، مورد تقدیر همه علمای شیعه بوده است و عرب و عجم از ایشان فرمان می‌بردند و اوامرش را به جان می‌خریدند. شنبه 4 تیرماه یادآور وداع خاکیان و پذیرای فرشتگان از این عالم وارسته است.

نسب مرحوم کاشف الغطاء به مالک اشتر نخعی صحابی گران‌قدر امیرالمؤمنین (ع) می‌رسد. او در سال 1154 هـ ق، در نجف اشرف متولد شد و در 22 رجب 1228 هـ ق، به لقاء الهی رسید.

وی در طول تحصیل علوم دینی، علاوه بر پدر بزرگوار، از محضر عالمانی چون، شیخ خضر جناحی نجفی، شیخ محمد مهدی فتونی، آقا محمد باقر وحید بهبهانی و سید مهدی بحرالعلوم بهره برد.

و بزرگانی چون شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر)، شیخ اسدالله تستری کاظمی، شیخ محمد تقی راز اصفهانی، سید صدرالدین موسوی عاملی، آقا محمد علی هزار جریبی، سید جواد عاملی (مولف مفتاح الکرامه)، سید محمد باقر صاحب‌الانوار، حاج محمد ابراهیم کرباسی، سید باقر قزوینی و... خوشه‌چین علم و جرعه نوش دریای معرفت او بوده‌اند.

برخی از تالیفات:

کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، شرح قواعد علامه، کتاب الطهارة، بغیة الطالب، العقائد الجعفریه فی اصول الدین، غایة المامول فی علم الاصول، شرح هداية الطباطبایی، الحق فی تصویب المجتهدین و تخطئة الاخباریین، رسالة منهج الرشاد لمن اراد السداد و... از جمله آثار فاخر آن فقیه بزرگوار است.

کمک به فقراء

رسیدگی به فقرا و برآوردن حاجات نیازمندان از جمله سیره آن عالم الهی همچون سیره اهل بیت (ع) بود نوشته‌اند گاهی خود به جمع کردن پول برای فقرا می‌پرداخت و در عبادی خود جمع می‌کرد و در همان مجلس بین فقرا تقسیم می‌کرد.

توهین سید فقیر به شیخ جعفر

روزی در اصفهان، پولی را در میان فقرا تقسیم نمود و بعد از اتمام این کار، نماز ظهر را اقامه کرد، یکی از سادات فقیر از این قضیه با خبر شد و در بین دو نماز، به شیخ گفت: مال جدم را به من بده شیخ فرمود: دیر آمدی، پول تمام شد، سید ناراحت شد و آب دهن خود را بر محاسن مبارک شیخ انداخت، شیخ از محراب نماز، بلند شد و در میان صفوف نماز به راه افتاد وی گفت: هر کس ریش شیخ را دوست دارد، به این سید کمک کند، مردم نیز دامن شیخ جعفر را پر از پول کردند و شیخ نیز، همه پول‌ها را به سید داد و بعد از آن نماز عصر را اقامه کرد.

سفارش به نماز جماعت

شیخ مردم را به نماز جماعت سفارش می‌کرد، غالباً در مسجدی که برای اقامه نماز می‌رفت، نماز ظهر را با مردم می‌خواند و برای نماز

عصر، یکی از مومنین عادل را، به عنوان امام جماعت بر می‌گزید و خودش نیز به او اقتدا می‌کردند.

اقتدا به یک تاجر مومن

میرزا حسین نوری، به نقل از سید مرتضی نجفی در المستدرک می‌نویسد: روزی شیخ جعفر کاشف‌الغطا برای نماز ظهر، تاخیر کرد و به مسجد نیامد، مردم که از آمدن شیخ نا امید شده بودند، شروع به خواندن نماز فرادا کردند، در همین هنگام شیخ وارد مسجد شد و با ناراحتی، مردم را ملامت و سرزنش کرد که چرا نماز را به فرادا می‌خوانید؟! مگر یک نفر عادل بین شما وجود ندارد به او اقتدا کنید؟! بعد از این گفتار، پشت سر یکی از تاجرین مومن ایستاد و به او اقتدا کرد مردم نیز با دیدن این صحنه به آن تاجر، اقتدا کردند، شخص تاجر که شیخ به او اقتدا کرده بود چنان شرمند شده که نمی‌دانست چگونه نماز را تمام کند.

بعد از نماز با حالت عرق‌ریزان، نزد شیخ نشست و عرض کرد شما با این عمل خود، مرا کشتید، شیخ به او فرمود بلند شو و نماز عصر را نیز اقامه کن.

شخص تاجر عرض کرد: مرا چه به امام جماعت، شیخ فرمود، باید نماز عصر را بخوانی اما او با تضرع می‌گفت: مرا از این کار معاف کنید من قدرت این کار را ندارم.

شیخ فرمود: یا باید نماز عصر را بخوانی، یا دویست شامی (پول رایج آن زمان) برای فقرا بدهی، تاجر مومن نیز این پیشنهاد را پذیرفت و پول تقدیم کرد و شیخ نیز با فراخواندن فقرا، همه پول‌ها را بین فقرا تقسیم نمود سپس نماز عصر را اقامه کرد. (دویست شامی، نزدیک به دو هزار دینار است).

شیخ جعفر و مقابله با وهابیت

شیخ جعفر، نسبت به مذهب شیعه در برابر دشمنان حق، تعصب خاصی داشت و در مقابل آنان مقاومت می‌کرد، وقتی وهابی‌ها به شهر نجف اشرف حمله کردند و دست به غارت‌گری و جنایت زدند، شیخ جعفر به مقابله برخاست تا آنجا که جمعیت زیادی از مسلمانان را برای دفاع از دین آماده کرد و خود نیز همراه علما و بزرگان، طلایه‌دار این حرکت شد و پس از نبردی سخت، برخی از وهابی‌ها را به هلاکت رسانید و عده‌ای دیگر را از نجف اشرف فراری داد و رییس آنها که سعود نام داشت، ناچار، پا به فرار گذاشت و برای انتقام‌جویی به کربلا حمله کرد.

کاشف‌الغطا و میرزا محمد اخباری

میرزا محمد اخباری از بزرگترین دشمنان مراجع اصولی بود و تهمت‌های زشتی به علما زد و در هر جایی علیه علما و علم اصول به فعالیت می‌پرداخت، شیخ جعفر، برای مبارزه علمی با وی، ناچار مسافرتی به شهر ری نمود و به تبلیغ علیه این فرد اخباری مشغول شد و در این زمینه، نامه‌ها و رساله‌های مفصلی، در رد میرزا محمد اخباری و مذهب او نگاشت، سعی و تلاش شیخ به حدی بود که حرکت او را در نطفه خفه کرد و میرزا محمد اخباری مجبور شد از ترس شیخ، فرار کند.

مقامات علمی کاشف‌الغطاء

از قول شیخ جعفر کاشف‌الغطاء نقل می‌کنند که فرمود: اگر همه کتاب‌های فقهیه را به دریا بیندازند (یا همه را بشویند و از بین ببرند) من قادر هستم، از طهارت تا دیات را از حفظ بنویسم.

این عالم وارسته با کوله‌باری از عمل و تقوا، در سن 74 سالگی در 22 رجب سال 1228 به دیار باقی شتافت و در قبرستان وادی‌السلام نجف به خاک سپرده شد. روحش شاد و با اولیاء الهی محشور باد.

منابع:

- 1- فوائد الرضویه (شیخ عباس قمی)
- 2- فقه‌ای نامدار شیعه (عقیقی بخشایشی)
- 3- ریحانة الادب ج 5 (میرزا محمدعلی مدرسی تبریزی)